

فرهنگ واژگان ترکی

در

فارسی

تألیف

محمد مرادزاده

مرادزاده، محمد، ۱۳۵۹ -
فرهنگ واژگان ترکی در فارسی / تألیف محمد مرادزاده، - - مشهد:
ضریح آفتاب، ۱۳۸۴
هجده، ۲۳۰ ص.

ISBN: 964 - 429 - 017 - 8

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. هفده - هجده.

۱- فارسی - - واژه نامه ها و ترکیبات خارجی - - ترکی، الف. عنوان.
م ۴م ۴ت/ ۲۹۲۵ PIR
کتابخانه ملی ایران
۴۱۶ - ۸۴ م



مؤسسه فرهنگی
هنری انتشاراتی
ضریح آفتاب

نام کتاب :	فرهنگ واژگان ترکی در فارسی
مؤلف :	محمد مرادزاده
ناشر :	مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب
نوبت چاپ :	اول، سال ۸۴
قطع :	رقعی
شمارگان :	۲۰۰۰ جلد
قیمت :	۲۰۰۰۰ ریال
چاپ :	دقت ۳۴۱۹۵۶۰
شابک :	۹۶۴ - ۴۲۹ - ۰۱۷ - ۸
مرکز پخش :	مشهد - خیابان امام خمینی (ره) - جنب سازمان آموزش و پرورش خراسان
	دفتر و فروشگاه مرکزی مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب
تلفن :	۲۲۱۰۰۴۵
نمبر :	۲۲۱۲۲۲۴
	«حق چاپ محفوظ است»

فهرست مطالب

مقدمه	هفت
راهنما	دوازده
جدول نشانه‌های اختصاری	چهارده
نشانه‌های آوایی و برابری خطی	پانزده
کتابشناسی	هفده
بخش نخست: واژگان ترکی در فارسی	۱
بخش دوم: فهرست واژگان ترکی در فارسی	۲۱۳

مقدمه

در طی ادوار مختلف واژه‌ها از زبانی وارد زبان دیگر می‌شوند، ملیت آن زبان را می‌پذیرند و معنایی تازه می‌یابند. همچون افرادی که از جامعه‌ای به جامعه دیگری وارد شده باشند، فرهنگ و ملیت آن جامعه را می‌پذیرند و از آن پس دیگر جزئی از آن جامعه محسوب می‌شوند. ورود این واژه‌ها در هر زبانی به علل مختلف روی می‌دهد:

گاه نیاز به بعضی مفاهیم جدید است که معادلی از آن در زبان خودی وجود ندارد، گاه نیز حاکمان سیاسی جامعه زبانی غیر از زبان مردم سرزمین تابع دارند. در این صورت به مصداق ضرب‌المثل معروف «الناس علی دین ملوکهم» زبانشان تحت تأثیر حاکمان خود قرار می‌گیرد.

زبان فارسی نیز به عنوان یکی از کهن‌ترین و غنی‌ترین زبان‌های رایج که نه فقط در ایران زمین بلکه در برخی از کشورهای همجوار نیز بدان تکلم می‌شود، از این قاعده مستثنی نبوده و در طی ادوار مختلف تاریخ از ورود و هجوم لغات بیگانه خصوصاً عربی، ترکی و در روزگاران جدید از هجوم زبان‌های اروپایی در امان نمانده است به همین جهت بر آن شدیم که بخشی از این واژگان را که اختصاص به ترکی - مغولی دارد تحت عنوان فرهنگ واژگان ترکی در فارسی عرضه داریم.

انگیزه این کار علاقه خاصی بود که به تاریخ ایران احساس می‌شد و

نشان دادن تأثیر دودمان‌های ترک و مغولی که نزدیک به هزار سال بر ایران حکومت کردند، بر فرهنگ این مرز و بوم. استیلای ترکان در نهایت امر کمتر از آن چه انتظار می‌رفت بر مردم ایران تأثیر گذاشت، زیرا اکثر سلسله‌های ترک و مغولی که بر این سرزمین حکومت راندند، از اقوامی برخاسته بودند که به لحاظ فرهنگی در مراحل پایین‌تری نسبت به فرهنگ ایران قرار داشتند. ولی سلطه طولانی آنان بر ایران به هر روی بر جنبه‌های مختلف زندگی مردمان این مرز و بوم تأثیری به جا نهاد.

بسیاری از این اقوام ترک پس از ورود به ایران از این سرزمین گذشته و به غرب رفتند اما عده زیادی از آنان نیز به دنبال چراگاه‌های مناسبی برای احشام خود در مناطقی از ایران پراکنده شده و سکنی گزیدند. خصوصاً در نواحی مساعدی نظیر آذربایجان، دشت مغان و قسمت‌هایی از خراسان. بدین ترتیب این مناطق را ترک زبان کردند.

ترکان نخستین بار در روزگار شاهنشاهی خسرو یکم انوشیروان به مرزهای شمال شرقی ایران رو نهادند و با کمک ایرانیان، هپتالیان (هیاطله) را تار و مار کردند و خود به جای آنان نشستند. از این پس مرز میان ایران و ترکان رود جیحون گردید. در سده‌های نخست هجری قمری ماوراءالنهر و خوارزم صحنه نبردهایی بود که در آن امرای ایرانی با اعراب مهاجم می‌جنگیدند. امرای محلی برای دفع تهاجمات تازیان بارها ترکان را فرا خواندند. شرکت ترکان در جنگ‌های داخلی ماوراءالنهر و اسکان یافتن صلح‌آمیز آنان در درون مرزهای ایران زمینه فروپاشی حکومت‌های محلی را فراهم کرد. از این گذشته در اوایل سده سوم هجری قمری، امرای مسلمان در کلیه نواحی شرقی خلافت رفته رفته بر سپاهیان تشکیل یافته از غلامان ترک، متکی گشته و در صدد بودند که از آنان به عنوان وزنه تعادلی در برابر طبقه نظامی دهقانان بومی استفاده کنند. همین امر به تدریج باعث از بین رفتن حکومت‌های محلی ایران، نظیر خوارزمشاهیان اصیل و

قدیمی و یا حتی حاکمیت‌های بزرگی همچون سامانیان گردید.

امیر نوح بن منصور سامانی (۲۷۸-۲۶۵ هـ) که خود را با تهاجم قراخانیان از شمال و شورش سپهسالاران خود مواجه دید، ناگزیر گردید، از البتکین، سپهسالار ترک خود استمداد جوید اما این دعوت به استقرار غزنویان در خراسان و از دست رفتن کلیه ولایات سامانی جنوب رودخانه جیحون منجر گردید و بتدریج قراخانیان و غزنویان با برانداختن این سلسله جای آنان را گرفتند. غزنویان نیز چند صباحی را بر مناطقی از شرق ایران از جمله خراسان به پایتختی غزنه حکومت کردند ولی بعدها مغلوب گروه دیگری از ترکان اُغُز به رهبری پسران سلجوق شدند. اینان همان ترکانی هستند که در دوره سامانیان و بعدها غزنویان به صورت گروهی از شمال دریاچه آرال به ماوراءالنهر و خراسان کوچ کردند و به تدریج که تعداد آنها افزایش یافت، به داخل ایران سرایز شدند و بعدها متحد شده و با شکست دادن غزنویان بر ایران تسلط یافتند و حکومتی فراگیر در ایران پایه گذاری کردند. این حکومت که سلجوقیان نامیده شد، خود پس از چندی تجزیه شد و قلمروشان تقسیم گردید. سرانجام نیز به دست گروه دیگری از ترکان که در آغاز برآورده و پرورده خودشان بودند از میان رفتند.

این گروه به این دلیل که از خوارزم برخاسته بودند، بعدها خوارزمشاهیان نامیده شدند و حکومت ترک نژاد دیگری را در ایران بنیان نهادند.

در اوایل سده هفتم هجری اقوام مغول به سرداری چنگیز خان به قلمرو حکومت ترک نژاد خوارزمشاهیان تاخته و طی مدت کوتاهی آن را منقرض کردند. حمله اقوام مغول راه ورود بلامانع عده کثیری از قبایل ترک و تاتار را به ایران باز کرده و در مدت حدود یک قرن حکومت ایلخانان بر ایران، نژادهای مختلف ترک و تاتار در این سرزمین به هم آمیختند و در عرصه سیاست و

حکومت ظاهر شدند.

پس از این نیز ترک‌تازی تیمور موجب شد تا پای گروه‌های ترک دیگری به ایران گشوده شود. تجزیه دولت تیموری سبب ظهور ترکمانان آق قویونلو و قراقویونلو در غرب ایران گردید. آنان تمام کوشش خود را برای تسلط بر ایران به کار انداختند. اندکی بعد قدرت‌های نظامی قابل ملاحظه‌ای از اجتماع قبایل ترک و تاتار در مرزهای شمال شرقی به نام اوزبکها و در غرب به نام دولت عثمانی به وجود آمد که برای نفوذ به خاک ایران سلاطین صفوی را در فشار قرار داده، موجب جنگ‌های خونینی گردیدند.

دوران طولانی، تقریباً دویست و پنجاه ساله حکومت صفویان نیز بر ایران، در واقع تداوم همان حاکمیت عنصر ترک بود. اگر چه سلاطین صفوی خود ایرانی بودند، اما حامیان آنان، یعنی قزلباشهای ترک نژاد که قدرت را در دست داشتند و در نتیجه حتی زبان دربار را نیز به ترکی برگرداندند. از میان همین قبایل قزلباش بود که بعدها افشاریه و قاجاریه، دو سلسله ترک نژاد دیگر پدید آمدند.

بدین ترتیب تا آغاز حکومت پهلوی (۱۳۰۴ ه.ق) جامعه ایران شاهد حدود هزار سال حکمرانی سلسله‌هایی بود که ترک نژاد بودند. از این رو تأثیر بسیاری بر زبان مردم ایران گذاشتند. بعدها که راه ورود بسیاری از اشکال تمدن غرب از طریق عثمانی به ایران گشوده شد بسیاری از واژه‌های اروپایی به صورت ترکی در آمده و ترکی شده آن از طریق کشور عثمانی وارد ایران گردید. پس به جا خواهد بود که تأثیر زبان ترکی را بر زبان ایران پی بگیریم.

کار حاضر که با توجه به چنین زمینه‌ای فراهم آمده، در پی به دست دادن کلمات زبان ترکی است که در زبان و نوشتار ایران در طول تاریخ خود راه یافته است.

در این کار ابتدا واژه‌های ترکی از لغت نامه دهخدا، فرهنگ معین و

حواشی کتاب جامع‌التواریخ استخراج شده، سپس کاستیهای آن، همچنین بسیاری از تفاوت‌ها در تلفظ یا معانی را با مراجعه به فرهنگ‌های ترکی از جمله فرهنگ لغات الترك کاشغری، فرهنگ آذربایجانی - فارسی از محمد پیفون، فرهنگ آذربایجانی - فارسی از بهزاد بهزادی، فرهنگ سنگلاخ و... اصلاح گردیده است. گاه نیز این اختلاف با مراجعه به افراد ترک زبان فرهیخته ایرانی حل گردیده است.

این کتاب می‌تواند تأثیر فرهنگ و زبان ترکی را بر زبان فارسی به خصوص در بخش نظامی، اداری و محاورات عامیانه چنان که در متون مختلف نظم و نثر علمی و ادبی دوران استیلای ترکان بر ایران بوده، نشان دهد. فرهنگ حاضر شامل تقریبی ۱۸۸۰ مدخل به همراه ترکیبات آن است، به حضور فارسی‌زبانان و فرهنگ دوستان ایرانی تقدیم می‌شود، با این امید که کاستی‌های این اثر با نقد صاحب نظران بر طرف گردد.

در پایان از کسانی که بنده را در این امر یاری رسانده‌اند بخصوص استاد ارجمند گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد سرکار خانم دکتر معزی و جناب آقای دکتر انزابی نژاد، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی این دانشگاه کمال سپاس و قدردانی را دارم.

و من الله التوفیق

بردسکن - دی ماه سال ۱۳۸۳ هـ - ش

محمد مرادزاده